



فاصله‌هایی که جان انسان‌ها را می‌گیرد

تفاوت امری طبیعی، اما نابرابری مرگ آفرین است!

■ تلخیص: حسین گل محمدی

انسان‌ها با هم فرق دارند. بعضی دارای توانایی‌های جسمی یا ذهنی فوق‌العاده هستند و بعضی گرفتار بیماری‌های طولانی‌ و ناتوانی‌ برخی‌ زی‌بایند یا صدای خوبی دارند و دیگران از چنین موهبت‌هایی بر خوردار نیستند. مدافعان نابرابری می‌گویند، به‌خاطر همین تفاوت‌هاست که جوامع نابرابر و سلسله مراتبی هستند و برابری چیزی غیر طبیعی و نامشرفانه است. گوران تروبون در این نوشته با متمایز کردن «نابرابری» از «تفاوت» شرح می‌دهد که در دهه‌های اخیر چگونه دنیای ما در دام نابرابری فرو افتاده است. ■■■

۳ روش برای تفکیک تفاوت و نابرابری

سه روش اصلی برای تمایز گذاری میان تفاوت و نابرابری وجود دارد. نخست، تفاوت می‌تواند افقی باشد بدون اینکه چیزی یا کسی بالاتر یا پایین‌تر، بهتر یا بدتر، باشد؛ حال آنکه نابرابری همواره عمودی است یا شامل رده‌بندی می‌شود. دوم، تفاوت‌ها حاصل سلیقه یا دسته‌بندی صرفند، اما نابرابری فقط نوعی دسته‌بندی نیست، چیزی است که از هنجاری اخلاقی درباره برابری میان انسان‌ها تخطی می‌کند (آوردن این برهان به این معنا نیست که فرض را بر وجود هنجار برابری تمام و کمال می‌گذاریم، بلکه اشاره به تفاوتی است که بیش از حد بزرگ است یا چغنی نا عادلانه دارد؛ یعنی طی آن افرادی اشتباه‌بهترین پاداش‌ها را دریافت می‌کنند) سوم، برابری اینکه یک تفاوت تبدیل به یک نابرابری شود، باید نا عادلانه‌ی نیز باشد. توانایی جسمانی بیبیشتر آدم ۲۰ساله معمولی در قیاس با آدم ۶۰ساله معمولی نابرابری نیست، اما فرصت‌های زندگی اجتماعی متفاوت زنان در مقایسه با مردان یا پسران سیاه‌پوست طبقه متوسط در مقایسه با پسران بافکرانند آن سفیدپوست، نابرابری قلمداد می‌شود.

۳ نوع نابرابری مخرب برای جوامع انسانی

دست کم سه نوع گوناگون از نابرابری وجود دارند و همه آنها برای جان انسان‌ها و برای جوامع انسانی مخرب هستند. یکی از انواع نابرابری، نابرابری سلامت و مرگ است که می‌توانیم آن را نابرابری حیاتی بنامیم. مسأله طول عمر باالگوهای اجتماعی و آشکارا مشاهده‌پذیر توزیع می‌شوند. کودکان در کشورها و طبقات فقیر اغلب بیشتر از کودکان در کشورها و طبقات ثروتمند پیش از یک‌سالگی و بین یک تا پنج سالگی می‌میرند. افراد فرودست در بریتانیا اغلب بیشتر از افراد فرادست پیش از سن بازنشستگی می‌میرند و چنانچه زنده بمانند، زندگی کوتاه‌تری در دوره بازنشستگی دارند. «نابرابری وجودی» شما را در مقام فرد نشانه می‌گیرد. این نابرابری آزادی عمل رده‌های مشخصی از مردم را محدود می‌کند. این نابرابری مولد نیرومند تحقیر سیاه‌پوستان، بومیان سرخ‌پوست امریکا، زنان در جوامع مردسالار، مهاجرین فقیر، کاست‌های پایین و گروه‌های قومیتی داغ‌تنگ‌خورده است. جا دارد اینجا اشاره کنیم که نابرابری وجودی فقط شکل تبعیض‌های بی‌شماره را به خود نمی‌گیرد، بلکه از خلال سلسله مراتب‌های منزلتی نامحسوس بیشتری نیز عمل می‌کند. سوم، نابرابری مادی یا نابرابری در منابع است و معنایش این است که انسان‌ها منابع بسیار متفاوتی برای بهره‌برداری دارند. اینجاست که تفاوت دو جنبه را از هم تفکیک کنیم؛ نخست نابرابری در دسترسی است، دسترسی به آموزش، مسیره‌های شغلی و آشنایان اجتماعی و به آنچه «سرمايه اجتماعی» نامیده می‌شود. در بحث‌های سنتی جریان اصلی به این جنبه غالباً با تعبیر «نابرابری فرصت‌ها» اشاره می‌شود؛ جنبه دوم نابرابری پاداش‌هاست که عموماً به‌عنوان نابرابری بازده به آن اشاره می‌کنند. نابرابری پاداش‌ها رایج‌ترین معیار برابری است. نابرابری در توزیع در آمد و گاهی ثروت.

۴ شیوه اساسی برای ایجاد نابرابری

نابرابری می‌تواند از چهار شیوه اساسی ایجاد شود. نخست فاصله‌گذاری است؛ برخی جلوه‌دهند و دیگری عقب افتاده‌اند. دوم سازوکار طرد است که از طریق آن منابعی برپاشده و کار گروه‌های خاصی از افسردار برای

دستیابی به یک زندگی خوب غیرممکن یا دست کم بسیار سخت می‌کند. سوم نهادهای سلسله‌مراتبی هستند، یعنی جوامع و سازمان‌هایی که همانند نردبان بنیاد شده‌اند و بعضی افراد به بالا و دیگری به پایین سنجاق شده‌اند. در نهایت، استثمار است که طی آن ثروت و ثروتمندان از مرارت و فرمان برداری فقرا و محرومان استخراج می‌شود.

استثمار متعفن‌ترین سرچشمه نابرابری است!

استثمار دلیل بلاواسطه نابرابری حیاتی نیست؛ چون سلامت افراد سالم وابسته به مرضی و مرگ دیگران نیست. اما از استثمار سودجویانه کارگران مشاغل خطرناک و ناسالم تا نابرابری در سلامت و امید به زندگی مسیر مشخصی در کار است. مثلاً کار در معادن افریقای جنوبی، چین و اوکراین و به‌طور کلی کار در کارخانه در «مناطق خاص اقتصادی» در سراسر جهان، به دلیل آثار مخربی که بر زندگی و سلامت دارد، بدنام است، اما این فقط بخشی از تصویر است. امید به زندگی مردان چینی با هلندی‌ها مساوی است و آنها هشت سسال بیش از هندی‌ها زندگی می‌کنند که کم‌تر صنعتی شده‌اند. نابرابری وجودی در قالب مردسالاری استثمارگرایانه به‌طور کلی طی سه دهه گذشته در جهان در حال عقب‌نشینی بنیادی بوده است، حتی اگر گاه‌ب‌گاه اتفاقاتی آن را به تعویق انداخته باشد.

اگر نظریه ارزش کار شمارا متقاعد نکرده باشد، دشوار است گفتن اینکه نابرابری اقتصادی تا چه اندازه مولول استثمار سرمایه‌دارانه است. افزایش چشمگیر نابرابری در آمد در چین که اینک بسیار بیش از هند یا روسیه است، آشکارا

و به شکلی شایان توجه به دلیل استفاده سرمایه‌دارانه از کارازان است.

سلسله مراتبی که به نابرابری دامن می‌زند

حتی زمانی که هرهم‌های سازمانی هموار می‌شوند، سلسله مراتب‌های نامحسوس جایگاه اجتماعی بر سازمان‌ها و جوامع به‌طور کلی سایه می‌اندازند. به نظر می‌رسد سلسله مراتب جایگاه اجتماعی به دلیل تخصیص نابرابر پرسمیت‌شناسی و احترام، وجود درجات گوناگون آزادی عمل و تأثیر سلسله‌مراتب‌های عزت‌نفس و اعتماد به نفس عامل زیربنایی عمده‌ای در نابرابری‌های پایدار سلامت و امید به زندگی است. سلسله‌مراتب‌های اجتماعی مولد نابرابری وجودی هستند که به نوبه خود پیامدهای روان تنی جدی دارد. برای یک کارگر نیمه تمام احتمال خطر اضافی مرگومیر پیش از جنگ اول جهانی، ۶درصد و در اوایل دهه ۱۹۹۰، ۷۶درصد بود. برای این گروه از کارگران خطر مرگ زود هنگام دقیقاً از سلسله مراتب اداری تبعیت می‌کرد.

هر چند طرد کاهش یافته

اما انحصارگرایی ملی باز تر شده است طی ۵۰ سال گذشته در جهان عموماً از موانع مرتبط با طرد کاسته شده است، هر چند اینجا نیز تصویر معشوش است. محرومیت زنان از فضا‌های عمومی، از بازارهای کار و نردبان‌های شغلی در بخش‌های زیادی از جهان کاهش یافته است. نژاد پرستی به شکل گسترده از اعتبار افتاده است. طرد اگرچه کاهش یافته است، هنوز



ویژگی اصلی جهان معاصر است. جهانی که به دولت ملت‌های انحصاری تقسیم شده است که هر کدام حقوق خاصی را فقط برای شهروندانشان در نظر می‌گیرند. به همین ترتیب، فرایندهای طرد کننده دیگری از قبیل حمایتگری‌های رایج تجاری نیز در کارند. مثل گرم‌دشت افریقا لطمه می‌زند. در بحران کنونی، هر چند در رابطه با حمایتگری نهی رسمی وجود دارد، اما انحصارگرایی ملی دارد بارزتری می‌شود و نمونه‌های آن جنبش‌هایی مثل «مشاغل بریتانیا برای کارگران بریتانیایی» و «جنس امریکایی بخرد» است.

فاصله‌گذاری در آمدی و حیاتی در حال افزایش است

زمانی که کار به تولید نابرابری از طریق فاصله‌گذاری می‌رسد، با یکی از تناقضات دوران امروز مواجه می‌شویم. از جنبه سرزمینی فاصله‌ها به شدت کوتاه شده‌اند. ارتباطات الکترونیکی و گسیل ماهواره‌ها تماشای المپیک را در آن واحد برای همه جهان ممکن می‌سازد، به همین ترتیب برای دوستانی در چین و آرژانتین یا موزامبیک و کانادا امکان آن فراهم شده است تا با تلفن یا یکدیگر صحبت کنند؛ یا با ایمیل می‌توانید با همکارانی در ایتالیا (کاری که از

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

درد

نابرابری می‌تواند از چهار شیوه اساسی ایجاد شود. نخست فاصله‌گذاری است؛ برخی جلوه‌ده‌اند و دیگری عقب افتاده‌اند. دوم سازوکار طرد است که از طریق آن منابعی برپاشده و کار گروه‌های خاصی از افراد را برای دستیابی به یک زندگی خوب غیرممکن یا دست کم بسیار سخت می‌کند. سوم نهادهای سلسله‌مراتبی هستند، یعنی جوامع و سازمان‌هایی که همانند نردبان بنیاد شده‌اند و بعضی افراد به بالا و دیگری به پایین سنجاق شده‌اند. در نهایت، استثمار است که طی آن ثروت و ثروتمندان از مرارت و فرمان برداری فقرا و محرومان استخراج می‌شود

درد

طریق پست پیش‌الکترونیکی ایتالیا به سختی امکان‌پذیر بود) یا همین‌طور در بنگلادش ارتباط برقرار کنید. همانطور که پیش‌تر ذکرش رفت، فاصله‌های وجودی میان «ژاندا» و اقوام و میان مرد و زن کاهش یافته‌اند، اما فاصله‌های درآمدی و حیاتی بین بخش‌های متفاوت جهان و درون بسیاری از کشورها رویه‌افزایش هستند. شکاف در آمدی میان صدرنشین‌ها و کارگران اکنون بسیار عمیق‌تر از میانه پشامدرن است.

نابرابری، خب که چه؟

بسیار خب، نابرابری یک واقعیت و رو به افزایش است، خب که چه؟ آیا اهمیتی دارد که دیوید یکام بسیار بیشتر از شما پول درمی‌آورد؟ پاسخ من این است که اهمیت دارد. زیرا نابرابری از حقوق بشر است و توسل به دستمزد سلبریتی‌ها صرفاً راهی است برای غبار آلود کردن فضای بحث. معدودند افرادی که معتقدند جامعه‌ای که به افرادی در محروم‌ترین محله‌ها، در مقایسه با ساکنان برخوردار تر نیز محله‌های ۲۸ سال زندگی کمتر پاداش می‌دهد، جامعه‌ای ابرومند است. آیا اینکه امید به زندگی مردان در روسیه سرمایه‌داری اکنون ۱۷سال کمتر از مردان کوبایی است، برتری سرمایه‌داری را اثبات می‌کند؟ سلسله‌مراتب موقعیت اجتماعی به معنای واقعی کلمه مرگبار است و فاصله اجتماعی روزافزون میان فقیرترین‌ها و غنی‌ترین‌ها بیبوستگی اجتماعی را تضعیف می‌کند و این به نوبه خود به معنای مشکلات جمعی بیشتر – از قبیل جرم و خشونت – و منابع کمتری برای حل همه مشکلات جمعی دیگر از هویت ملی گرفته تا تغییرات اقلیمی است.

حالا چه باید کرد؟

برابری سازوکارهایی دارد (که از پیش آزموده و امتحان شده‌اند) همانطور که سازوکارهایی برای نابرابری وجود دارد. فراگیری (در تضاد با طرد) در بخش‌های زیادی از جهان، زنان را به فضای عمومی و بازارهای کار وارد کرده است. این سازوکار اخیراً وضعیت مستعمر بودن جمعیت‌های دور که به‌خصوصی از جمهوری‌های بومیان امریکایی در امریکای لاتین را تغییر داده است، به خصوص در بولیوی و کوادور، هر چند شکست‌هایی نیز در گواتمالا، پرو و دیگر جاها تکمیل شده است. در مقابل، تلاش‌های مدیریتی برای دوری از سلسله‌مراتب که در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، به جای آنکه ابزاری برای برابری‌سازی بوده باشد از قضا منجر به ناپدیدشدن حد وسط در حوزه در آمد‌ها و قطبی‌سازی شدیدتری میان بالا و پایین شده است. می‌توان انتظار داشت که تشریفات‌زدایی‌های پیاسلسله‌مراتبی منافی هم داشته باشد، اما گویا شواهد مسلمی در دست نیست. باز توزیع و غرامت‌بند ابزاری قدرتمند برای مواجهه با نابرابری هستند. دانمارک و سوئد کشورهایی با کم‌ترین میزان نابرابری در جهانند. دولت رفاه دانمارک ۲۸درصد تولید ناخالص داخلی‌اش را صرف مخارج اجتماعی می‌کند و سوئدی‌ها ۲۱درصد، حال آنکه بریتانیا ۲۰درصد را صرف می‌کند.

موقعیت تکرار شونده دولت‌های رفاه شمالی در فهرست کشورهای سرمایه‌داری جهان (فلاندر در پله ششم و نروژ نیز تحت در پله ۱۶ از میان ۱۳۱ کشور) مسلماً به این معناست که دولت‌های رفاه سخاوتمند و نسبتاً برابری طلب را نباید آرمان شهر یا سرزمین‌هایی مصور و حفاظت شده قلمداد کرد، بلکه باید آنها را شرکت‌گانی به شدت رقابت‌جو در بازار جهانی دانست. به عبارت دیگر، حتی درون ضابطه‌های سرمایه‌داری جهانی درجات بسیاری از آزادی برای بدب‌های اجتماعی رادیکال وجود دارد و اثرات حقیقتاً مرگبار نابرابری جست‌وجو برای آنها را الزامی می‌کند.

■ **نقل و تلخیص: از وب سایت ترجمان / نوشته: گوران تر بسورن / ترجمه: علی امیری / روزبین**

سبک مطالعه



گام‌هایی برای کتابخوان کردن کودکان

کتاب بخوانید

تافرزندتان کتاب بخواند

■ مریم قدیمی

ریشه اکثر عادت‌های ما انسان‌ها چه عادات سازنده و چه عادات مخرب را می‌توان در دوران کودکی پیدا کرد، بنابراین اگر می‌خواهید فرزندتان عادات مثبت و کارآمدتری داشته باشد از همان ابتدا او را به کتابخوانی علاقه‌مند کنید، اما تثبیت کردن این کار چندان هم راحت نیست، ولی والدین می‌توانند با انجام دادن روش‌های مناسب و اصولی و همچنین شناخت خلیقات و توانایی‌های کودکان خود باعث شوند که او برای همیشه و در تمام مراحل زندگی‌اش علاقه‌مند به کتاب و کتابخوانی شود. البته باید این مسئله مهم در نظر گرفته شود که اگر کتابخوانی با آموزش صحیح و روش‌های اصولی و درست انجام نگردد به احتمال زیاد کودک چندان علاقه و اشتیاقی به این کار نشان نخواهد داد و برایش کاری سخت و دشوار خواهد بود و باعث بیزاری او از کتاب و کتابخوانی می‌شود. پس چه باید کرد؟

عبارتی کودک با مشاهده کردن کتاب در دست شما الگوبرداری می‌کند و به کتاب خواندن علاقه‌مند می‌شود، ولی باید در نظر داشته باشید صرفاً با گفتن اینکه کتاب خواندن کار مفیدی است و او باید این کار را انجام دهد کودک شما کتابخوان نخواهد شد. گام بعدی که باید والدین در ارتباط با بسوق دادن کودک به سمت کتاب خواندن انجام بدهند، این است که شناخت عمیقی در مورد خواسته‌ها و علاقه‌مندی‌های کودک خود به دست آورند تا از این طریق فعالیت‌های مرتبط با توانایی‌هایش و مطمئنانه و نیازمند این است که والدین کودک در زمینه روانشناسی کودک سطح علم و دانش خودشان را افزایش بدهند. از این طریق آنها می‌توانند با نیازهای کودک در هر مرحله آشنایی پیدا کنند و متناسب با توانمندی‌هایی که کودک دارد با او و دنیای کودکانه‌اش ارتباط مؤثرتری برقرار کنند.

یکی از نیازهای اساسی که کودک از همان ستین کودکی دارد تا بتواند رشد فکری و ذهنی مناسبی داشته باشد، خواندن کتاب و توجه به اهمیت کتابخوانی است. اهمیتی که کتاب و کتاب خواندن هیچ کسی پوشیده نیست.

ریشه اکثر عادت‌های ما انسان‌ها چه عادات سازنده و چه عادات مخرب را می‌توان در دوران کودکی پیدا کرد، بنابراین اگر می‌خواهید فرزندتان عادات مثبت و کارآمدتری داشته باشد از همان ابتدا او را به کتابخوانی علاقه‌مند کنید، اما تثبیت کردن این کار چندان هم راحت نیست، ولسی والدین می‌توانند با انجام دادن روش‌های مناسب و اصولی و همچنین شناخت خلیقات و توانایی‌های کودکان خود باعث شوند که او برای همیشه و در تمام مراحل زندگی‌اش علاقه‌مند به کتاب و تبدیل به یک کتابخوان حرفه‌ای شود، البته باید این مسئله مهم در نظر گرفته شود که اگر کتابخوانی با آموزش صحیح و روش‌های اصولی و درست انجام نگردد به احتمال زیاد کودک چندان علاقه و اشتیاقی به این کار نشان نخواهد داد و برایش کاری سخت و دشوار خواهد بود و باعث بیزاری او از کتاب و کتابخوانی می‌شود. پس چه باید کرد؟

اولین گامی که والدین گرامی باید بردارند این است که اگر می‌خواهید عادت مناسب و مثبتی را کودک خود ایجاد کنید، باید این عادت مثبت را ابتدا در خودتان نهادینه کنید، چون کودکان از والدین خود الگوبرداری می‌کنند. پس اگر می‌خواهید کودکتان اهل مطالعه و کتابخوانی باشد، باید خودتان الگوی مناسبی برای او باشید. به عبارت‌تی کتاب خواندن علاقه‌مند می‌شود

درد

اگر می‌خواهید عادت مناسب و مثبتی را در کودک خود ایجاد کنید باید این عادت مثبت را ابتدا در خودتان نهادینه کنید، چون کودکان از والدین خود الگوبرداری می‌کنند. پس اگر می‌خواهید کودک‌کتان اهل مطالعه و کتابخوانی باشد باید خودتان الگوی مناسبی برای او باشید. به عبارت‌تی کودک با مشاهده کردن کتاب در دست شما الگوبرداری می‌کند و به کتاب خواندن علاقه‌مند می‌شود

■ **کارشناس ارشد روانشناسی بالینی**